ضمیمه ۱

آیین تعمید مسیحی

مقدمه: آموزه تعمید مسیحی، در بین کلیساها موضوع بحث‌برانگیزی است. این درس کمك می‌کند تا جوامع مختلف مسیحی دیدگاههای یکدیگر را درك کنند. هر یك از جوامع مسیحی و رهبران آن باید در نهایت تصمیم بگیرند که می‌خواهند تأکیدشان بر کدام جنبه از تعمید باشد. ما در این ضمیمه خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس درمورد مراسم تعمید مسیحی چه تعلیم می‌دهد.

۱- <u>در مورد روش تعمید مسیحی هیچ دستورالعمل خاصی در کتاب‌مقدس وجود ندارد.</u>

در عبرانیان ۶: ۲، از مراسم مربوط به طهارت در عهدعتیق به عنوان "تعمیدها" یاد شده است. مراسم طهارت در عهدعتیق نشاندهنده پاکی و طهارت مردم و اشیاء بود، و پیشاپیش به طهارت گناهان توسط خون عیسی مسیح اشاره داشت. به همین ترتیب، تعمید مسیحی در عهد جدید نیز به همین نام، یعنی به عنوان "تعمید" توصیف شده است. مراسم طهارت در عهد جدید نشاندهنده طهارت یا غسل گرفتن از گناهان است (اعمال ۲: ۳۸؛ ۲۲: ۱۶). بنابراین عیسی مسیح و رسولان تعمید مسیحی را به رسوم طهارت در عهد عتیق مربوط می‌دانستند. هم عیسی مسیح و هم رسولان در این مورد از کلمه "تعمید دادن" (در یونانی: baptizo) استفاده کرده‌اند و منظور، طهارت از گناهان بوده است. طهارت روحانی یا غسل از گناهان، اساسی‌ترین مفهوم تعمید مسیحی است. در کتاب‌مقدس اعمال زیر به منظور طهارت مردم و اشیاء انجام می‌شده است:

الف) <u>پاشیدن آب یا خون (در یونانی: rantizo) به عنوان روشی جهت طهارت یا غسل از گناهان.</u>
بخوانید: حزقیال ۳۶: ۲۵؛ مزمور ۵۱: ۷.
ملاحظات: در عهدعتیق برای طهارت اشیاء و مردم، بر آنها خون یا آب پاشیده می‌شد.
۱) مزمور ۵۱: ۷ : "مرا با زوفا پاك کن تا طاهر شوم" (در یونانی: katharizomai).
۲) حزقیال ۳۶: ۲۵- ۲۷: "من آب پاك بر شما خواهم پاشید (در یونانی: rantizo) و شما طاهر خواهید شد (در یونانی: katharizomai). من شما را از همه نجاسات و از همه بتهای‌تان طاهر خواهم ساخت. دل تازه و روحی جدید به شما خواهم داد و روح خود را در اندرون‌تان خواهم نهاد، و شما را به فرایض خود سالك خواهم گردانید." بنابراین پاشیدن آب بر مردم به منظور تولدتازه یا تجدید حیات آنها است.
۳) مرقس ۷: ۴. مردم در بازگشت از بازار، تنها در صورتی غذا می‌خوردند که نخست روی خود را با آب می‌شستند (در یونانی: rantizo).
۴) عبرانیان ۹: ۱۹- ۲۳. موسی خون گوساله‌ها و بزها را با آب و پشم قرمز و زوفا گرفته، آن را بر طومار و بر همه قوم پاشید تا بدینوسیله آنها را طاهر سازد (در یونانی: katharizomai).
۵) عبرانیان ۱۰: ۲۲. بیایید دلهای خود را از هر احساس تقصیر زدوده، بر بدنهای‌مان آب پاك بپاشیم (در یونانی: rantizo) تا به خدا نزدیك شویم.
بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و از طریق پاشیدن آب بر شخصی که تعمید می‌گیرد، بیان می‌گردد.

ب) <u>ریختن آب یا شستشو (در یونانی: baptizo, nipto of pluno, apolouo) روشی است جهت طهارت یا غسل از گناهان.</u>
بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۶؛ تیطس ۳: ۵- ۶.
ملاحظات: یکی از روشها نیز در دوران عهدعتیق نیز جهت طهارت اشیاء و مردم این بود که بر آنها آب می‌ریختند یا آنها را شستشو می‌دادند.
۱) مزمور ۵۱: ۲، ۷ مرا از عصیانم شستشو ده (در یونانی: pluno)، و از گناهانم مرا طاهر کن (در یونانی: katharizo).
۲) مرقس ۷: ۳ آنها غذا نمی‌خورند مگر آنکه دستهای خود را (بطور رسمی) می‌شستند یا بر آنها آب می ریختند (در یونانی: nipto).
۳) مرقس ۷: ۴. آنها بسیاری از رسوم دیگر را نیز نگاه می‌دارند، مانند شستن (تشریفاتی) یا در آب فروبردن (در یونانی: baptizo) قسمت بیرونی پیاله‌ها، آفتابه‌ها، دیگها و ظروف مسی (لوقا ۱۱: ۳۸- ۴۰).
۴) لوقا ۱۱: ۳۷- ۴۰. عیسی قبل از صرف غذا دستهای خود را (بطور تشریفاتی) نشست یا در آب فرو نبرد (در یونانی: baptizo). رسم بود که برای طاهر ساختن افراد، قبل از صرف غذا روی دستهای آنان آب ریخته می‌شد.
۵) اعمال ۲۲: ۱۶. پولس برخاسته به عنوان علامت و مهر شستشو شدن از گناهانش (در یونانی: apolouo)، تعمید می‌گیرد (در یونانی: baptize).
۶) مکاشفه ۷: ۱۴. ایمانداران به عنوان سمبلی از طهارت و عادل شمردگی کامل خود، رداهای خود را در خون بره شسته (در یونانی: pluno) و سفید کرده‌اند.

۷) اعمال ۲: ۳۳، ۳۸؛ تیطس ۳: ۵- ۶. تعمید مسیحی (در یونانی:baptizo) سمبل فرو رفتن در روح‌القدس نیست، بلکه به مفهوم نزول یا ریخته شدن (در یونانی: execheo) روح‌القدس بر ایمانداران است. تعمید مسیحی، شستشو شدن (در یونانی: loutron)، تولد دوباره یافتن و تازه گشتن به توسط روح‌القدس است که عیسی مسیح آن را به فراوانی بر ایمانداران فرو ریخت (یونانی: execheo epi). بنابراین تعمید (یونانی: baptize) به روح‌القدس (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳) در کتاب‌مقدس از طریق فروریختن روح‌القدس از بالا بر مردم به تصویر کشیده شده است، نه از طریق فرو رفتن یا غوطه‌ور شدن در روح‌القدس. این قسمت را با قسمتی مقایسه کنید که می‌گوید شخص قبل از اینکه شایستگی ورود به ملکوت خدا را داشته باشد، لازم است نخست "از بالا" (یونانی: anothen) بوسیله روح‌القدس مولود شود (یوحنا ۳: ۳، ۵).
بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و می‌توان آن را از طریق ریختن آب از بالا بر کسانی که تعمید می‌گیرند، نشان داد (تیطس ۳: ۳، ۵). این عمل زمانی انجام می‌شود که شخص در حالت ایستاده قرار دارد (اعمال ۲۲: ۱۶).
یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

پ) <u>فرو رفتن در آب به عنوان یکی از روشهای تعمید مسیحی.</u>
فرو رفتن در آب یکی از روشهای مجاز و قابل قبول جهت تعمید مسیحی است، ولی مسیحیان نباید نسبت به این روش تفکری تعصب آمیز داشته باشند.

<u>معانی دیگر کلمه "تعمید دادن" (به یونانی: baptizo).</u>
کلمه یونانی "baptizo" دارای مفاهیم مختلفی است. این کلمه به معنی فرورفتن به مقداری کم، فرورفتن به طور کامل، و شستن می‌باشد. اگرچه ممکن است فرو رفتن در آب نمایانگر طهارت یا انجام مراسم تعمید باشد، کلمه یونانی baptizo در آیات زیر از کتاب‌مقدس، بیانگر مفهومی غیر از "فرو رفتن" است:
۱) مرقس ۱۰: ۳۸- ۳۹. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی "فرو رفتن در آب" نیست، بلکه منظور، "غرق شدن" در درد و رنج مرگ است. کلمه "تعمید" در اینجا اصطلاحی است سمبلیك در توصیف اوج درد و رنج.
۲) متی ۳: ۱۱؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۳. کلمه "baptizo" به معنی "غوطه‌ور ساختن مردم در" روح‌القدس نیست، بلکه به مفهوم ریزش روح‌القدس بر آنها است. این کلمه بدین معنا است که روح‌القدس مردم را دربرمی‌گیرد تا بتواند در آنها ساکن شده، آنها را کنترل و هدایت کند. "تعمید با روح‌القدس" اصطلاحی مجازی است به معنای تجدید حیات، که در قالب "مولود گشتن از بالا"(در یونانی: anothen) توسط روح‌القدس بیان شده است (یوحنا ۳: ۳- ۸). تعمید آب علامت و مهری است از تعمید با روح‌القدس.
۳) اول قرنتیان ۱۰: ۱- ۲. "تعمید گرفتن در (در یونانی: en) ابر و در (یونانی: en) در یا (یونانی: eis) در اتحاد با موسی" بدین معنا است که قوم اسرائیل از طریق راه رفتن در زیر ابر و آتش و عبور از دریای سرخ، در رابطه و مشارکتی شخصی با موسی قرار گرفتند و بدین ترتیب جزئی از قوم موسی (قوم خدا در عهد عتیق) شدند. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی فرو رفتن در ابر یا در دریای سرخ نیست، زیرا قوم بنی‌اسرائیل ابر یا دریا را لمس نکردند. بلکه آبی که در دریای سرخ و در ابر بود، بالای سر قوم بنی‌اسرائیل قرار داشت.
۴) رومیان ۶: ۳- ۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۲. اصطلاح "در برگرفتن مسیح" در تعمید (غلاطیان ۳: ۲۷)، به این معنا نیست که بهنگام تعمید باید لباسی رسمی در بر کرد. اصطلاح "رشد کردن با مسیح به شباهت موت او" (یگانه شدن با مسیح در مرگی همچون مرگ او، رومیان ۶: ۵) بدین معنا نیست که در تعمید باید چیزی را کاشت یا القاء کرد. اصطلاح "مصلوب شدن با مسیح" (رومیان ۶: ۶) نیز بدین معنا نیست که در تعمید باید مصلوب شد. به همین ترتیب اصطلاحات "دفن شدن با مسیح از طریق تعمید در مرگ او" (رومیان ۶: ۴؛ کولسیان ۲: ۱۲) و "برخیزانده شدن با مسیح به ایمان" (کولسیان ۲: ۱۲؛ رومیان ۶: ۵) نیز به تعمید به شیوه فرو رفتن دلالت ندارند. کلمات "دفن شدن در، برخیزانده شدن با، رشد کردن با و مصلوب شدن با" نشانه‌هایی کتاب‌مقدسی درخصوص شیوه تعمید نیستند، بلکه در این قسمتها به مفهوم تعمید مسیحی یعنی <u>اتحاد با مسیح</u> اشاره می شود.

<u>در قسمتهای زیر نیز کلمه "تعمید دادن" (یونانی: baptizo) لزوماً به معنی فرو رفتن در آب نیست.</u>
۱) اعمال ۲: ۴۱. در یك روز بیش از ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند. البته احتمال وقوع چنین چیزی وجود دارد، ولی آیا در اورشلیم به مقدار کافی آب وجود داشت تا این همه مردم در یك روز به شیوه فرو رفتن در آب تعمید بگیرند؟ این عده به احتمال زیاد در آن هنگام در نزدیکی حوض یا استخری بسر می‌بردند. در هیچ جای کتاب‌مقدس نشانی از این نمی‌بینیم که رسولان بهنگام ریزش روح‌القدس بر اولین یهودیان ایماندار در روز پنطیکاست، جهت تعمید دادن مردم از روشی غیر از روش طهارت معمول در عهد عتیق استفاده کرده باشند (مطابق روش عهد عتیق، بهنگام تعمید مردم بر آنها آب می‌پاشیدند یا روی‌شان آب می‌ریختند).
۲) مرقس ۱: ۵؛ ۸- ۱۰. مردم اورشلیم در (یونانی: eis - به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن بدست یحیی تعمید دهنده تعمید گرفتند. خود عیسی نیز در (در یونانی: en- به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن از یحیی تعمیددهنده تعمید گرفت. عیسی پس از تعمید از آب بیرون آمد (یونانی: ek- بیانگر موضع یا مکانی خاص). در این قسمتها به هیچ وجه مشخص نیست که آیا مردم و عیسی بهنگام تعمید در آب غوطه‌ور شدند یا نه.

البته مرقس ۱: ۸ به روشنی می‌گوید که یحیی تعمیددهنده مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) آب تعمید می‌داد، درست همانطور که عیسی نیز مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) روح‌القدس تعمید داد.
۳) اعمال ۸: ۳۶- ۳۹. وقتی فیلیپُس خواجه‌سرای حبشی را تعمید داد، آنها "به (یونانی: eis، بیانگر موضع یا مکانی خاص) آب در آمدند یا فرود شدند" و "از آب بالا آمدند" (در یونانی: ek، بیانگر موضع یا مکانی خاص). این اصطلاحات بیانگر این موضوع نیستند که آنها تا چه اندازه در آب فرو رفتند و الزاماً ثابت نمی‌کنند که آنها در آب فرو رفتند، زیرا ممکن است بهنگام تعمید تنها پاهایشان در آب بود و فیلیپُس بر روی خواجه سرای حبشی آب می‌ریخت. یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

بدین ترتیب می‌بینیم که کتاب‌مقدس در مورد روش تعمید هیچ دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. کتابمقدس هیچ روش خاصی را جهت تعمید افراد تجویز نکرده یا در استفاده از روشهای مختلف ممنوعیتی اعلام ننموده است. بنابراین تعمید گرفتن از طریق فرو رفتن در آب، کاملاً قابل قبول و مجاز می‌باشد. مسیحیان نباید بر سر روش تعمید با هم مباحثه کنند، بلکه باید درخصوص ضرورت تعمید و مفهوم آن با هم توافق نظر داشته باشند. مسیحیان بهتر است درمورد اموری که در کتاب‌مقدس چندان حائز اهمیت نیست (مثلاً اینکه کلیساها افراد را به چه روشی تعمید می‌دهند) نقطه‌نظرات یکدیگر را بپذیرند. آنان باید از احکام خدا که در کلامش ذکر شده است، مانند "یکدیگر را محبت نمایید" (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵) و "یکدیگر را بپذیرید" (رومیان ۱۵: ۷)، اطاعت کنند.

<u>نتیجه‌گیری:</u> اگر خود خدا به عنوان علامت و مهر طهارت روحانی و غسل از گناهان (بخشایش گناهان، عادل شمردگی و تجدیدحیات) از روش پاشیدن یا ریختن آب بر روی افراد استفاده می‌کند، پس مسیحیان نیز می‌توانند از این الگو پیروی کنند و مردم را به یکی از این روشها تعمید دهند. تعمید دادن اشخاص از طریق فرو بردن آنها در آب ضرورت خاصی ندارد، ولی در عین حال مانعی نیز ندارد. بسیاری از کلیساها بهنگام تعمید افراد را در آب از فرو می‌برند، زیرا معتقدند که فرورفتن در آب نمایانگر مرگ آنها است با مسیح، و بیرون آمدن آنها از آب نمایانگر رستاخیز آنها است با مسیح.

<u>۳- در مورد زمان تعمید نیز در کتاب‌مقدس هیچ گونه دستورالعمل خاصی وجود ندارد.</u>

کلیساها در مورد این موضوع نیز با هم اختلاف نظر دارند. برخی از کلیساها به تعمید دادن اطفال معتقدند و برخی دیگر تنها ایمانداران را تعمید می‌دهند. دلیل این اختلاف‌نظر این است که کتاب‌مقدس تنها می‌گوید که کلیساها مسیحیان اولیه را چگونه تعمید می‌دادند، و از آنجا که نمی‌گوید کلیساها مسیحیان نسلهای بعدی را چگونه باید تعمید دهند، هر کلیسایی در این خصوص دیدگاه متفاوتی دارد.

الف) <u>اولین نسل از مسیحیان، در چارچوب مأموریتهای مسیحی تعمید داده شدند.</u>
تاریخ عهدجدید نشان می‌دهد که انجیل به کسانی که از پیغام آن هیچگونه آگاهی نداشتند، موعظه می‌شد. این افراد پس از اینکه ایمان می‌آوردند، به آب تعمید داده می‌شدند. این تعمید در چارچوب مأموریتهای مسیحی انجام می‌شد. کسانی که زمانی یهودی، سامری یا غیریهودی بودند، حال به پیغام انجیل ایمان می‌آوردند، تعمید می‌گرفتند و عضو کلیسای مسیحی می‌شدند.
۱) <u>تعمید ایمانداران بطور فردی.</u>
در چارچوب مأموریتهای مسیحی، مردم به طور کلی به اندازه کافی برای شنیدن، درك و ایمان آوردن به پیغام انجیل بالغ بودند. آنها پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح تعمید می‌گرفتند (یوحنا ۴: ۱؛ اعمال ۲: ۳۷- ۳۹، ۴۱؛ اعمال ۸: ۱۲؛ اعمال ۸: ۳۶- ۳۸؛ اعمال ۹: ۱۷- ۱۸؛ اعمال ۱۰: ۴۸).
۲) <u>تعمید اعضای خانواده.</u>
عهدجدید همچنین در رابطه با تعمید اهل خانه (یونانی: oikos) صحبت می‌کند. اهل خانه متشکل از تمام اعضای خانواده و خدمتکاران آن خانه بود. وقتی که انجیل به اهل خانه موعظه می‌شد (اعمال ۱۱: ۱۴)، تمام اهل خانه تعمید گرفتند (اعمال ۱۶: ۱۴- ۱۵؛ اعمال ۱۶: ۳۰- ۳۴؛ اول قرنتیان ۱: ۱۶).
البته نمی‌توان از روی آن قسمتهایی از کتاب‌مقدس که راجع به تعمید اهل خانه است، به وضوح چنین نتیجه گرفت که اطفال یا فرزندان خانه نیز لزوماً تعمید می‌گرفتند. آن دسته از کلیساها که تعمید اطفال را در کتاب‌مقدس انکار می‌کنند، در توجیه موضع خود این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که اطفال هنوز نمی‌توانند ایمان بیاورند، یا جزو کسانی که تعمید داده می‌شدند نبودند و یا اصلاً طفلی در آن خانه وجود نداشته است." و اما آندسته از کلیساها که به تعمید اطفال اعتقاد دارند، این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که در هر خانه‌ای اطفالی وجود دارند، ما حق نداریم آنها را از تعمید محروم کنیم." باید در نظر داشت که عهدجدید حداقل سه بار به تعمید تمام اهل خانه اشاره کرده است (و بدین ترتیب تمامی اهل خانه را جزئی از کلیسا محسوب نموده است).

ب) نسل دوم مسیحیان در چارچوب کلیسای مسیحی تعمید داده شده‌اند.

۱) مسئله مربوط به آندسته از فرزندان ایمانداران که هنوز خردسالند.

وقتی مردم پیغام انجیل را می‌شنوند و برای اولین بار به آن ایمان می‌آورند (در چارچوب مأموریتهای مسیحی)، کاملاً منطقی است که تنها پس از ایمان آوردن تعمید بگیرند. این موضوع در مورد هر کلیسایی (هر فرقه کلیسایی) صدق می‌کند.

ولی کلیسا در خصوص فرزندان ایمانداران (یعنی نسل دوم) چه موضعی باید اتخاذ کند؟ آیا باید آنها را تا زمانی که شخصاً هنوز ایمان نیاورده‌اند، از تعمید محروم سازد؟ یا اینکه باید آنها را تعمید دهد تا این تعمید علامتی باشد از اینکه این اطفال به خانواده خدا پیوسته‌اند و جزو قوم عهد او می‌باشند؟ مسیحیان در این مورد پاسخهای متفاوتی می‌دهند.

۲) برخی از کلیساها معتقدند که در این مورد باید کاملاً بطور فردی برخورد کرد.

آنها تعمید را با ایمان شخصی به عیسی‌مسیح مرتبط می‌دانند و می‌گویند که مسیحیان در تمام نسلهای بعدی باید در خصوص تعمید منحصراً از همان الگویی پیروی کنند که در عهدجدید و در چارچوب مأموریت مسیحی اعمال می‌شد (اینکه تنها ایمانداران را تعمید می‌دادند). فرزندان ایمانداران باید نخست به عنوان علامت و مهری از عادل شمردگی‌شان، به طور فردی به عیسی مسیح ایمان بیاورند (تولد دوباره) و تنها در آن صورت است که می‌توانند تعمید بگیرند. این کلیساها همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب‌مقدس هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. این رسم عبارت است از تقدیم یا وقف اطفال ایماندار به خدا به عنوان مهر و علامتی از اینکه این فرزندان به کلیسا و به قوم عهد خدا تعلق دارند. این عده در این خصوص که آیا این اطفال را افرادی نجات‌یافته (عادل شمرده شده، دارای تولد دوباره) محسوب می‌کنند یا نه مطلب خاصی نمی‌گویند. اما معتقدند که اگر این اطفال در سنین پایین از دنیا بروند، نجات یافته تلقی خواهند شد، زیرا متعلق به جامعه ایمانداران می‌باشند.

۳) کلیساهای دیگر معتقدند که در این مورد باید بطور جمعی برخورد کرد.

آنها تعمید را با وعده عهد خدا مرتبط می‌دانند و می‌گویند که قوم خدا در عهدجدید یا در چارچوب کلیسا، باید از نمونه قوم خدا در عهدعتیق پیروی کنند که در قالب ختنه اطفال نمایان می‌شد. فرزندان والدین ایماندار باید به عنوان علامت و مهری از اینکه به قوم عهد خدا و به کلیسای مسیح تعلق دارند، در آب تعمید داده شوند. این کلیساها همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب‌مقدس اشاره‌ای به آن نشده است، و آن این که به فرزندان تعمیدیافته ایمانداران اجازه می‌دهند در آینده به عنوان علامت و مهری قابل رؤیت از عادل شمردگی‌شان (تولد دوباره)، به طور عمومی و در جمع ایمانداران به ایمان فردی‌شان به عیسی مسیح اعتراف کنند.

در بین مسیحیان در این خصوص که آیا فرزندان ایمانداران باید افرادی دارای تولد تازه قلمداد شوند یا نه، اختلاف‌نظر وجود دارد. اغلب مسیحیان معتقدند که فرزندان آنها نیز به مسیح تعلق دارند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

۴- ارتباط بین ختنه و تعمید.

الف) ختنه در زمان عهدعتیق علامتی از پیمان عهدعتیق بود.

در چارچوب پیمان عهدعتیق، ابراهیم علامت (یونانی: semaion) ختنه را به عنوان مهر (یونانی: sfragida) عادل شمردگی (که آن را در نتیجه ایمان بدست آورده بود) هنگامی دریافت کرد که هنوز ختنه نشده بود (رومیان ۴: ۱۱- ۱۲).

خدا با ابراهیم به عنوان یك فرد سروکار نداشت. بلکه سروکار خدا با تمام خانواده و خاندان ابراهیم نیز بود. هر فرزند ذکوری که بیش از هشت روز از زمان بدنیا آمدنش می‌گذشت، باید ختنه می‌شد (پیدایش ۱۷). بنابراین در زمان پیمان عهدعتیق، ختنه جسمانی علامت و مهر قابل رؤیت عهدی بود که دلالت بر این حقیقت داشت که خداوند یهوه به راستی خدای آنها است و آنها قوم اویند (لاویان ۲۶: ۱۲). ایمان خاص ابراهیم به خدا و به وعده او (پیدایش ۱۵: ۵- ۶) باعث شد که خدا نه تنها ابراهیم، بلکه خانواده، خاندان و اطفال هشت روزه او را نیز جزو قوم عهد خود محسوب کند.

ب) پیمان عهد عتیق و پیمان عهد جدید.

عهد خدا به این مفهوم است که خدای زنده خدای آنها و آنها قوم او هستند (لاویان ۲۶: ۱۲). این پیمان عهدعتیق، در مورد دوران عهدجدید نیز صدق می‌کند و پیمان عهدجدید نیز می‌باشد (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). با اینحال بین پیمان عهد عتیق و پیمان عهدجدید تفاوتهای قابل توجهی وجود دارد (ارمیا ۳۱: ۳۱- ۳۴؛ عبرانیان ۸: ۶- ۱۳).

۱) شریعت، که به این عهد و پیمان اضافه شد (غلاطیان ۳: ۱۷- ۱۹)، تنها بر روی کتاب شریعت نوشته نخواهد شد، بلکه بر دلهای مردم حك خواهد گردید (ارمیا ۳۱: ۳۳).

۲) شناخت خدا صرفاً شناختی عقلانی که انبیا به مردم تعلیم می‌دادند، نخواهد بود (اشعیا ۱: ۳)، بلکه عبارت خواهد بود از شناختی شخصی و صمیمی از خدا (ارمیا ۳۱: ۳۴).

۳) بخشایش گناهان صرفاً عملی تشریفاتی نخواهد بود (عبرانیان ۱۰: ۱-۴)، بلکه به طور شخصی و واقعی تجربه خواهد شد (ارمیا ۳۱: ۳۴؛ عبرانیان ۹: ۱۴).

۴) به همین ترتیب ختنه به شیوه عهد جدید جایگزین ختنه عهدعتیق می‌شود (کولسیان ۲: ۱۱- ۱۳). ختنه جسمی افراد ذکور صرفاً بخشی از شریعت تشریفاتی عهد عتیق بود. در دوران عهدجدید، ختنه روحانی قلب ایمانداران، اعم از مرد و زن، جانشین ختنه جسمانی می‌شود.

۵) عیسی مسیح واسطه عهدی است جدید، برتر و بس نیکوتر (عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴).

پ) ختنه عهد جدید و تعمید عهد جدید.
در عهدجدید بین ختنه و تعمید رابطه‌ای موجود است. کولسیان ۲: ۱۱- ۱۳ تعلیم می‌دهد که برادران مقدس و وفادار در مسیح (کولسیان ۱: ۲) بهنگام تعمید با مسیح مدفون شده و از طریق ایمان، با وی برخیزانیده شدند، و بدین ترتیب توسط عیسی مسیح ختنه گردیدند. ختنه عهد جدید، ختنه‌ای جسمانی نیست، بلکه ختنه‌ای است روحانی به معنای از تن زدودن طبیعت گناهکار (کولسیان ۲: ۱۱) و تجدید حیات یافتن توسط روح‌القدس (رومیان ۲: ۲۸- ۲۹).

ت) برخی از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهدعتیق، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند
آنها معتقدند که چون در دوران عهدعتیق اطفال را از نظر جسمانی ختنه می‌کردند، در دوران عهد جدید نیز باید اطفال را تعمید داد. به اعتقاد آنها، کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند که از طریق آن، مسیح بهنگام تعمید اطفال طبیعت گناهکار آنان را که با مسیح مرده و دفن شده است، از آنها جدا می‌سازد. این عده همچنین عقیده دارند که اطفال پس از تعمید باید افرادی دارای تولدتازه تلقی شوند (کولسیان ۲: ۱۲). آنان بر این عقیده‌اند که این اطفال تعمیدیافته، سالها بعد که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، با مسیح برخیزانیده می‌شوند و در حیاتی جدید با او زیست می‌کنند (کولسیان ۲: ۱۲). این کلیساها بین مردن اطفال با مسیح بهنگام تعمید، و برخیزانیده شدن آنها با مسیح زمانی که سالها بعد شخصاً به او ایمان می‌آورند، فاصله زمانی چندین سال را در نظر گرفته‌اند. از نظر آنان ایمان داشتن بهنگام تعمید امری کاملاً ضروری است، ولی این ایمان در زمان تعمید اطفال می‌تواند ایمان والدین یا ایمان کلیسایی باشد که والدین اطفال در آنها عضوند. این اطفال باید وقتی بزرگ شدند در برابر همگان به ایمان شخصی خود اعتراف کنند.

ث) برخی دیگر از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهدجدید، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند
آنها نیز معتقدند که کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند، و مسیح طبیعت گناهکار افرادی را که بهنگام تعمید با او مرده و دفن شده‌اند، از آنها جدا می‌سازد (کولسیان ۲: ۱۲). اما آنها معتقدند که افراد با مسیح می‌میرند، با او دفن می‌شوند و در همان زمان - یعنی هنگامی که ایمان شخصی خود به عیسی مسیح را اقرار می‌کنند - با او برخیزانیده نیز می‌شوند (کولسیان ۲: ۱۲). این کلیساها، مردن انسانها با مسیح و برخیزانیده شدن‌شان با او را دو عمل جداگانه در دو زمان متفاوت نمی‌دانند، بلکه معتقدند که این دو عمل به طور همزمان و هنگامی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند صورت می‌گیرد. آنها ایمان فرد را عنصری ضروری قبل از تعمید می‌دانند و معتقدند که این ایمان همواره باید ایمان شخصی خود کسی باشد که بنا است تعمید بگیرد.

۵- ارتباط بین تولد دوباره و زمان تعمید.

الف) ختنه نشاندهنده تولد تازه است
هدف از ختنه جسمانی در دوران عهد عتیق این بود که علامتی بیرونی آشکار باشد از ختنه روحانی قلب (تولد دوباره) (لاویان ۲۶: ۴۱؛ تثنیه ۱۰: ۱۶؛ ارمیا ۴: ۴؛ ۳۰: ۶؛ رومیان ۲: ۲۸- ۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۲-۳)، هر چند باید در نظر داشت که ختنه روحانی قلوب افراد مدتها پس آنکه در کودکی از نظر جسمانی ختنه می‌شدند اتفاق می‌افتاد.
ختنه در دوران عهد جدید، بی‌گمان ختنه روحانی قلب مردم توسط روح‌القدس بود (رومیان ۲: ۲۸- ۲۹)، و نه ختنه‌ای جسمانی. این ختنه عبارت بود از بیرون آوردن طبیعت گناهکار (در یونانی: جسم) یا طبیعت کهنه‌ای که تولد تازه نیافته بود (کولسیان ۲: ۱۱؛ رومیان ۶: ۶- ۷). بنابراین ختنه روحانی در عهد جدید همواره بیانگر تولد دوباره یا تجدید حیات است.

ب) برخی از کلیساها، تولد دوباره را یك راز بزرگ می‌دانند.
به اعتقاد آنها، از آنجا که تولد دوباره و زمان وقوع آن برای مسیحیان بصورت یك راز است (یوحنا ۳: ۳- ۸؛ ارمیا ۱: ۵)، ختنه اطفال در عهد عتیق جای خود را در عهد جدید به تعمید اطفال داده است. اطفال ایمانداران گرچه هنوز شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، ولی قطعاً به قوم عهد خدا یا کلیسای مسیح تعلق دارند. به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که اطفال والدین ایماندار را باید تعمید داد. از این گذشته، ایمان آینده این فرزندان نیز در نهایت خود نتیجه هدیه فیض‌آمیز خدا است (اعمال ۱۳: ۴۸؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۸: ۲۷؛ افسسیان ۲: ۸- ۹؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۲: ۱۲- ۱۳؛ دوم پطرس ۱: ۱؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵).

پ) برخی دیگر از کلیساها تولد دوباره را موضوعی می‌دانند که با ایمان ارتباط نزدیك دارد.
به اعتقاد آنها، اگرچه تولد تازه‌ای که توسط روح‌القدس در زندگی فرد ایماندار ایجاد می‌شود و روش و زمان آن برای مسیحیان بصورت یك راز است، این تجدید حیات یا تولد تازه در اکثر جاهای کتاب‌مقدس با ایمان آوردن مردم به عیسی ارتباطی نزدیك دارد (یوحنا ۱: ۱۲- ۱۳؛ ۷: ۳۷- ۳۹؛ اعمال ۱۱: ۱۴- ۱۸؛ ۱۵: ۷- ۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۳- ۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳- ۱۴؛ تیطس ۱: ۱؛ ۳: ۳- ۷). به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که تعمید عهد جدید صرفاً جانشینی برای ختنه عهد عتیق نیست. و از آنجا که اطفال والدین ایماندار خود شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، نباید آنها را تعمید داد. بر طبق اعتقاد آنها، مردم تنها زمانی می‌توانند تعمید بگیرند که شخصاً به عیسی مسیح ایمان بیاورند و نشان دهند که تولد تازه دارند و عادل شمرده شده‌اند.

۶- ارتباط بین دو تأکید مختلف در رابطه با تعمید مسیحی.

الف) کلیساهای مختلف بر دو مفهوم تعمید، تأکیدی متفاوت دارند.
برخی از کلیساها تماماً بر این تأکید می‌کنند که تعمید، علامت و مهر عهد فیض خدا است و نشاندهنده تعلق داشتن به جامعه مسیحی (کلیسا) یا قوم خدا می‌باشد.
مسیحیان دیگر تمام تأکید خود را بر تعمید مسیحی به عنوان علامت و مهر طهارت از گناهان می‌گذارند که نمایانگر عادل شمردگی فرد است محض ایمان شخصی به عیسی مسیح.
از آنجا که تعمید مسیحی دارای هر دو مفهوم بالا است، کلیساهای مختلف هر کدام به طرقی مختلف بعد اجتماعی و فردی تعمید را در کلیساهای خود نمایان می‌سازند.

ب) برخی از کلیساها، بیش از هر چیز بر تعلق داشتن فرد به جامعه تاکید دارند.
تعمید مسیحی از نظر آنان علامت و مهری است از تعلق داشتن فرزندان والدین ایماندار به قوم عهد خدا (یعنی بدن مسیح یا جامعه مسیحی). به همین دلیل نیز اینگونه کلیساها اطفال والدین ایماندار را تعمید می‌دهند.
البته وقتی که فرزند یك خانواده ایماندار بزرگ می‌شود و شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، کلیسا این فرصت را به او می‌دهد که در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کند تا این اعتراف ایمان، علامت و مهری باشد از اینکه این شخص عادل شمرده شده است (یعنی نجات و تولدتازه را دریافت کرده است: به این مفهوم که او در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم گشته است).

پ) برخی دیگر از کلیساها، بیش از هر چیز بر عادل شمردگی خود فرد تأکید می‌گذارند.
اینگونه کلیساها تعمید را علامت و مهری می‌دانند که نشان می‌دهد کسی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان آورده است، عادل شمرده می‌شود (یعنی نجات و تولدتازه را دریافت می‌کند: به این مفهوم که در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم می‌شود).
چنین شخصی بهنگام تعمید آب در حضور همگان به ایمان خود اعتراف می‌کند.
اما اینگونه کلیساها اطفال ایمانداران را به خدا وقف یا تقدیم میکنند و به عنوان مهر و علامتی است از اینکه این اطفال تقدیم شده نیز به قوم عهد خدا (بدن مسیح، جماعت مسیحی) تعلق دارند.

ت) تمام کلیساهای مسیحی به هر دو جنبه ایمان مسیحی اعتقاد دارند.
برخی از کلیساها فرزندان را زمانی که هنوز طفل هستند تعمید می‌دهند و وقتی شخصاً به مسیح ایمان آوردند، به آنها اجازه می‌دهند در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کنند. برخی دیگر از کلیساها، اطفال را به خدا تقدیم می‌کنند و وقتی که آنها بزرگتر شده، به عیسی مسیح ایمان آوردند و ایمان خود را علناً در حضور همه اعتراف کردند، آنها را تعمید می‌دهند. ولی به نظر می‌رسد که همه کلیساها معتقدند که کتاب‌مقدس هم بر جنبه فردی (شخصی) و هم بر جنبه عمومی ایمان مسیحی تأکید می‌گذارد.
۱) کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان یك فرد سروکار دارد. هر کس شخصاً بابت نحوه زندگی و عملکرد خود به خدا پاسخگو خواهد بود (حزقیال ۳۳: ۱۲- ۱۶). نیز هر کس به طور فردی بابت ایمان یا بی‌ایمانی خود مسؤول خواهد بود (یوحنا ۳: ۱۴- ۱۸، ۳۶؛ یوحنا ۹: ۳۵- ۳۹).
۲) کتاب‌مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان عضوی از جامعه سروکار دارد. هر انسانی عضوی از یك خانواده یا خاندان است (خروج ۲۰: ۵- ۶؛ اعمال ۲: ۳۹؛ اعمال ۱۶: ۳۱؛ اول قرنتیان ۷: ۱۳- ۱۴). هر فرد ایماندار عضوی است از کلیسای محلی (اول قرنتیان ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۶؛ مکاشفه ۲: ۱- ۵) و نیز بدن جهانی مسیح (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲- ۱۳). همچنین هر شخص عضوی است از قوم یا ملتی در دنیا (ارمیا ۱۸: ۶- ۱۰) و نیز عضوی است از قوم خدا (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹- ۱۰). علاوه بر این، خدا با هر فرد بعنوان جزئی از بشریتی برخورد می‌کند که در گناه آدم و مجازات او سهیم است (رومیان ۵: ۱۲، ۱۷- ۱۹). به همین ترتیب خدا با هر فرد به عنوان عضوی از اجتماع مسیحی برخورد می‌کند که به مسیح و عدالت او پیوند زده شده است (رومیان ۵: ۱۷- ۱۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۲). شایان ذکر است که خدا با فرزندان والدین ایماندار به عنوان افرادی برخورد می‌کند که متعلق به ملکوت خدایند (مرقس ۱۰: ۱۳- ۱۶؛ اول قرنتیان ۷: ۱۴).

۷- ارتباط موجود میان کلیساهای مختلف.

حقایقی که کلیساهای مختلف مسیحی را به یکدیگر پیوند می‌زند، بیش از اعتقادات و تأکیدهایی که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند، حائز اهمیت است.

الف) احکام و فرامین.
۱) به کلیساهای مختلف در این باره که اعضای خود را کی و چگونه باید تعمید دهند، حکم مشخصی داده نشده است. اصطلاح "یك تعمید" (افسسیان ۴: ۴- ۶)، به حقیقی بودن و مفهوم تعمید اشاره دارد، نه به زمان و روش آن.

۲) به کلیساهای مختلف به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محکوم نکنند و در یکدیگر به دیده تحقیر ننگرند، بلکه به اعتقادات متفاوت یکدیگر احترام بگذارند (رومیان ۱۴: ۱- ۵).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل نکنند، بلکه آن عقاید را بین خود و خدا نگاه دارند (رومیان ۱۴: ۱۳- ۲۳).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را بپذیرند (رومیان ۱۵: ۷).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محبت کنند (یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵).
به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که تلاش کنند روح وحدت و یگانگی را در بین خود حفظ کنند (افسسیان ۴: ۳؛ رومیان ۱۴: ۱۷).
تمام کلیساهای مسیحی باید از خود این سؤال را بپرسند: "چه چیزی می‌تواند به گسترش هر چه بیشتر محبت و صلح در جامعه مسیحی من منجر شود؟ و چه چیزی به افزایش روح محبت و همکاری بین جامعه مسیحی من و دیگر جوامع مسیحی پیرامون من کمك می‌کند؟

ب) <u>اصول.</u>
اصولی که باعث می‌شوند میان کلیساهای مختلف روابطی شفاف وجود داشته باشد عبارتند از:
۱) داشتن اتحاد در اصول
۲) پذیرفتن یکدیگر در موارد فرعی
۳) محبت کردن به یکدیگر در همه موارد.